

## فهرست

مقدمه	۱
فصل ۱. نسبت ذهن و بدن در دیدگاه دوگانه‌گرایی جوهری	۵
۱.۱. مشخصه‌ امور ذهنی	۶
۲.۱. انواع امور ذهنی	۱۵
۳.۱. دوگانه‌گرایی جوهری و دیدگاه‌های مخالف آن	۱۷
فصل ۲. انواع دیدگاه‌های دوگانه‌گرایی جوهری در باب علیت میان	
ذهن و بدن	۳۳
۱.۲. دیدگاه تعامل‌گرایی	۳۵
۲.۲. دیدگاه موازی‌گرایی	۳۶
۳.۲. دیدگاه تقارن‌گرایی	۳۸
۴.۲. دیدگاه جنبی بودن امور ذهنی	۴۰
فصل ۳. تعامل‌گرایی و مشکل اتصال علی	۴۵
فصل ۴. تعامل‌گرایی و مشکل جفت شدن	۵۵
۱.۴. مشکل جفت شدن در علیت فیزیکی	۵۵
۲.۴. مشکل جفت شدن در علیت ذهنی و راه‌های پیشنهادی حل آن	۵۶
۱.۲.۴. راه‌حل پیشنهادی اول	۵۹
۲.۲.۴. راه‌حل پیشنهادی دوم	۶۱
۳.۲.۴. راه‌حل پیشنهادی سوم	۶۶
۴.۲.۴. راه‌حل پیشنهادی چهارم	۷۰

شش دوگانه‌گرایی جوهری و مسئله علیت میان ذهن و بدن

۷۴	..... راه‌حل پیشنهادی پنجم
۷۹	..... فصل ۵. تعامل‌گرایی و قوانین بقا
۷۹	..... ۱.۵. ناسازگاری قانون بقای انرژی با رابطه علی ذهن و بدن در تعامل‌گرایی
۸۵	..... ۱.۱.۵. ارزیابی مقدمه سوم
	..... ۱.۱.۵. راه‌حل براد برای حل ناسازگاری قانون بقای انرژی و رابطه علی
۸۶	..... ذهن و بدن در تعامل‌گرایی
	..... ۲.۱.۵. راه‌حل لو برای حل ناسازگاری قانون بقای انرژی و رابطه علی
۹۴	..... ذهن و بدن در تعامل‌گرایی
۱۰۲	..... ۲.۱.۵. ارزیابی مقدمه اول
۱۰۹	..... فصل ۶. تعامل‌گرایی و بسته بودن قلمرو مادی
۱۰۹	..... ۱.۶. اصل بستار
۱۱۳	..... ۲.۶. برهان مبتنی بر اصل بستار قوی
۱۱۵	..... ۱.۲.۶. استدلال‌های پایینو در دفاع از اصل بستار قوی
۱۲۳	..... ۲.۲.۶. نقد استدلال‌های پایینو
۱۲۹	..... ۳.۶. برهان مبتنی بر اصل بستار ضعیف
۱۳۲	..... ۱.۳.۶. ارزیابی مقدمه اول
۱۳۸	..... ۲.۳.۶. ارزیابی مقدمه سوم
۱۴۹	..... نتیجه‌گیری
۱۵۵	..... کتابنامه
۱۶۱	..... واژه‌نامه

### مقدمه

تعامل علی ذهن و بدن امری شهودی<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد. بریده شدن انگشت علت احساس درد می‌شود و تصمیم برای باز کردن پنجره علت حرکت بدن به سوی پنجره. از سوی دیگر، در دوگانه‌گرایی جوهری، ذهن و بدن دو نوع موجود کاملاً متفاوت هستند. قهرمان اصلی این دیدگاه رنه دکارت<sup>۲</sup> می‌گفت که ماهیت بدن امتداد مکانی است و ماهیت ذهن اندیشیدن. اما اگر چنین است، چگونه امکان دارد که بدن و ذهن تعامل علی داشته باشند؟ دو موجودی که هیچ وجه اشتراکی با هم ندارند نمی‌توانند بر هم اثر بگذارند. بنابراین، به نظر می‌رسد که دوگانه‌گرایی جوهری با باور شهودی به وجود روابط علی میان بدن و ذهن ناسازگاری دارد. در نتیجه، باید یکی از این دو را کنار گذارد. اما طبق روش فلسفی متعارف، باورهای شهودی آخرین چیزهایی هستند که باید کنار گذارده شوند. در نتیجه، این دوگانه‌گرایی جوهری است که باید کنار گذارده شود. ایراد فوق‌ایرادی سنتی است که، بر مبنای باور شهودی به وجود روابط علی میان ذهن و بدن، به دوگانه‌گرایی جوهری وارد شده است. در چند دهه اخیر، ایرادهای نوینی به این نظریه وارد شده است که هر یک به نحوی سعی می‌کند ناسازگاری دوگانه‌گرایی جوهری را با باور شهودی مذکور نشان می‌دهد، در این کتاب، چهار ایراد از این ایرادها بررسی و ارزیابی شده است.

اولین و قدیمی‌ترین آن‌ها، که از زمان دکارت مطرح شده است، و پاسخ‌های ممکن به آن در فصل سوم بررسی شده است. ایراد دوم از اصلی به نام "اصل جفت شدن" استفاده می‌کند. بر اساس این اصل: برای برقراری علیت میان افراد دو نوع موجود، باید راهی برای امکان جفت شدن افراد آن دو نوع وجود داشته

---

1. intuitive      2. Rene Descartes

باشد. در ادامه ایراد گفته می‌شود که چنین راهی برای امکان جفت شدن موجودات مادی (مانند بدن) و غیرمادی (مانند ذهن دکارتی) وجود ندارد و نتیجه گرفته می‌شود که در صورت قائل بودن به دوگانه‌گرایی جوهری باید از باور شهودی به وجود تأثیر و تأثر علی میان ذهن و بدن دست کشید. و خوب، کنار گذاردن باور به دوگانه‌گرایی جوهری، معقول‌تر از کنار گذاردن باور شهودی مذکور است. در نتیجه، دوگانه‌گرایی جوهری را باید کنار گذارد. این نوع استدلال و پاسخ‌هایی که می‌توان به آن داد در فصل چهارم بررسی شده است.

ایراد سوم بر دو اصل ظاهراً علمی مبتنا شده است. اصل اول بقای انرژی است. بنا بر این اصل، مقدار انرژی در جهان مادی ثابت است. اصل دوم ناظر به ساختار تغییراتی است که در جهان مادی رخ می‌دهد. بر اساس این اصل تعامل علی با جهان مادی مستلزم کم و زیاد شدن مقدار انرژی در آن است.

مدافعان این ایراد از این دو اصل نتیجه می‌گیرند که یا بدن و ذهن تعامل علی ندارند یا ذهن آن چیزی نیست که دوگانه‌گرایی جوهری می‌گوید. زیرا اگر ذهن همان طور که دوگانه‌گرایان می‌گویند، بخشی از جهان مادی نباشد و اگر با بدن تعامل علی داشته باشد، دست‌کم، یکی از دو اصل بالا نقض می‌شود. کنار گذاردن باور به دوگانه‌گرایی جوهری معقول‌تر از کنار گذاردن باور شهودی به تعامل ذهن و بدن است. در نتیجه، باور به دوگانه‌گرایی جوهری را باید کنار گذارد. این ایراد به همراه پاسخ‌هایش در فصل پنجم بررسی شده است.

در ایراد چهارم از دو اصل «اصل بستار» و «اصل تعیین‌ناپذیری مضاعف» استفاده می‌شود. بر اساس اصل بستار برای تبیین پدیده‌های مادی لازم نیست از قلمرو مادی خارج شویم، بلکه با توسل به آنچه در خود قلمرو مادی وجود دارد می‌توان همه پدیده‌های مادی را تبیین کرد یا به بیان دیگر، هر رویداد مادی علت کافی مادی دارد. بر طبق اصل تعیین‌ناپذیری مضاعف هر رویدادی فقط یک بار تعیین می‌پذیرد یا به عبارت دیگر، هر رویدادی فقط یک علت کافی دارد. از دو اصل فوق نتیجه گرفته می‌شود که یا روابط علی میان ذهن و بدن برقرار نیست یا ذهن بخشی از جهان مادی است. زیرا، طبق اصل بستار، وقوع هر رویدادی در بدن، که بخشی از جهان مادی است، معلول امری مادی است و،

طبق اصل تعیین‌ناپذیری مضاعف، هر رویدادی که در بدن رخ می‌دهد فقط یک علت کافی دارد. در نتیجه، یا ذهن علت رویدادها در بدن نیست یا ذهن امری غیرمادی نیست. شقّ نخست خلاف شهود است. پس، بهتر است شقّ دوم را بپذیریم. اما شقّ دوم به معنای رد دوگانه‌گرایی جوهری است. در فصل ششم این استدلال و پاسخ‌های آن بررسی شده است.

در فصل اول، پیش از پرداختن به ایرادهای فوق‌الذکر، دیدگاه دوگانه‌گرایی جوهری معرفی شده است. در این فصل، مراد از "ذهن" و "صفت‌ها یا حالت‌های ذهنی"، انواع امور ذهنی، مفهوم «دوگانه‌گرایی» و «جوهر» شرح داده شده و انواع دیدگاه‌های دوگانه‌گرایی از هم تفکیک شده است. و در آخر نیز نظریه‌های مخالف دوگانه‌گرایی جوهری، به اختصار، معرفی شده است. در واقع، فصل اول حکم مقدمات بحث را دارد.

همان‌طور که گفته شد، همه ایرادهایی که در این کتاب علیه دوگانه‌گرایی جوهری اقامه می‌شود بر درستی باور به وجود روابط علیّی میان ذهن و بدن مبتنی هستند. در نتیجه، یک راه ساده برای رفع این ایرادات، رد باور مذکور است. هر چند در دوران معاصر، این راه، مدافعان زیادی ندارد در عصر دکارت فیلسوفان زیادی این راه را در پیش گرفتند و تعداد اندکی از فیلسوفان معاصر نیز با آن همدل هستند. از این رو، در فصل دوم از نظریه‌هایی که دوگانه‌گرایی جوهری را نگه می‌دارند و در عوض، از باور به وجود روابط علیّی میان ذهن و بدن دست می‌کشند، به طور مختصر بحث می‌شود.

هدف از نگارش این کتاب، ارائه نظریه‌ای یا طرح استدلالی نوین نبوده است. بلکه، هدف صرفاً معرفی دیدگاه دوگانه‌گرایی جوهری و نقاط ضعف و قوت آن بوده است. بنابراین، کتاب حاضر اثری آموزشی است نه رساله‌ای پژوهشی. با وجود این، امید است، به لحاظ تقریر و ترتیب مباحث، نوآوری‌هایی در آن وجود داشته باشد که برای اهل فن نیز حاصلی در برداشته باشد. گفتنی است که در انتهای هر فصل، برای مطالعه بیشتر تر خوانندگان، منابعی درباره موضوعات همان فصل ارائه شده است.

بجاست که توضیحی درباره برخی از علائم نوشتاری داده شود. در این کتاب برای اشاره به عبارت‌های زبانی از علامت اندیس بالا (") استفاده شده است؛

مثلاً، برای اشاره به واژه‌ای که به کتاب دلالت می‌کند گفته‌ایم: "کتاب". و همچنین از گیومه («») برای تأکید و نیز برای نقل قول استفاده شده است. در پایان، بر خود لازم می‌دانم که از ستاد توسعه علوم و فناوری‌های شناختی و ریاست محترم آن، جناب آقای دکتر کمال خرازی، که از نگارش و چاپ این اثر حمایت کردند، قدردانی کنم. همچنین از دوست ارجمندم جناب آقای دکتر امیر صائمی که با تذکرها و عالمانه خود مرا در ویرایش محتوایی این اثر یاری رساندند و سرکار خانم قاسملو، که ویراستاری ادبی آن را بر عهده گرفتند، تشکر می‌کنم.

هاشم مروارید

## فصل اول

# نسبت ذهن و بدن در دیدگاه دوگانه‌گرایی جوهری

ذهن چیست و چه نسبتی با بدن دارد؟ دوگانه‌گرایی جوهری یکی از قدیمی‌ترین پاسخ‌هایی است که به این پرسش داده شده است. اما پیش از پرداختن به این پاسخ، ابتدا باید بدانیم منظور از "ذهن" و "بدن" چیست. مراد از "بدن"، کم و بیش، روشن است. بدن همان جسمی است که به کمک آن با محیط پیرامون خود تعامل برقرار می‌کنیم. اما منظور از "ذهن" چیست؟ مراد فیلسوفان از "ذهن" آن بخشی از انسان است که حامل ویژگی‌ها و حالت‌هایی مانند فکر کردن، قصد کردن، میل داشتن، دیدنِ قرمزِ یک سیب، درد داشتن، غمگین بودن، لذت بردن، دستپاچه شدن و خارش داشتن است. بنابراین، ذهن آن بخشی از انسان است که متضمن چیزهایی از جنس اندیشه، احساس و عاطفه است. برای روشن‌تر شدن مسئله بهتر است برخی از تفاوت‌های اساسی امور ذهنی با امور غیرذهنی را مرور کنیم.

## ۱.۱. مشخصه امور ذهنی

معمولاً، چند مشخصه امور ذهنی را برای متمایز ساختن آن‌ها از امور غیرذهنی بیان می‌کنند. اولین مشخصه این امور، بر خلاف امور جسمی، این است که آن‌ها مکان‌مند نیستند و خصوصیات مکانی ندارند؛ مثلاً، دست شما به عنوان یک امر جسمی در مکان خاصی قرار دارد و خصوصیات مکانی خاصی دارد؛ مانند اینکه شکلی خاص، ابعاد مکانی خاص و سطحی خاص دارد. اما میل شما کجاست؟ چه ابعاد مکانی‌ای دارد؟ چه شکلی دارد؟ سطح آن نرم است یا زبر؟ این پرسش‌ها دربارهٔ میل یا هر امر ذهنی دیگری بی‌معنا به نظر می‌رسد.

شاید به نظر برسد که برخی از امور ذهنی مکان دارند؛ مثلاً، شاید برخی بگویند مکان برخی از دردها در دست است، در حالی که مکان برخی دیگر در پا یا مثلاً شاید به نظر برسد که برخی خارش‌ها در کف پا احساس می‌شود و برخی دیگر در کمر. اما آیا واقعاً چنین است؟ برای روشن شدن این مسئله، بهتر است به عارضهٔ «درد خیالی»<sup>۱</sup> توجه کنیم. پدیدهٔ درد خیالی در کسانی که به تازگی یکی از اعضای بدنشان قطع شده است رخ می‌دهد. در بسیاری از مواقع گزارش شده است که افرادی که، به تازگی یکی از اعضای بدنشان به دلیل مشکلی قطع شده در محل عضو قطع شده همچنان احساس درد می‌کنند، در حالی که دیگر عضوی در آن محل ندارند. به این عارضه، «عارضهٔ درد خیالی» می‌گویند. کاملاً، بی‌معناست اگر

---

1. phantom pain